



پیشگیری از تکرار جرم اطفال و نوجوانان بزهکار با نگاه به فقه و قانون

قسمت پایانی



سید محمد کیکاوسی، دکتری فقه و حقوق اسلامی، عضو باشگاه پژوهشگران جوان

چکیده

کودکان به عنوان آسیب پذیرترین کنش گران جرم، همواره باید مورد توجه متخصصین قرار گرفته و تا حد ممکن از ورود آنها به قلمرو حقوق کیفری به عنوان بزهکار و همچنین از تکرار جرم توسط آنها جلوگیری به عمل آید. مسئله بزهکاری اطفال، از جمله مسائلی است که امروزه دغدغه همه جوامع حقوقی است و روند رو به رشد این مسئله نیاز به استفاده و به کارگیری راهبردهای مناسب برای حل این معضل را تشدید می نماید. بر این مبنا هر یک از نظام های کیفری از روش های خاص بهره می گیرند؛ این در حالی است که جنبه پیشگیرانه در نظام عدالت کیفری در کشورهای مختلف به عنوان یک ابزار مؤثر و کم هزینه قابل مشاهده می باشد. اعمال مجازات های مختلف، هنوز هم با وجود فراوانی نتوانسته از ارتکاب جرایم بکاهد، امروزه سعی دولت ها بیشتر بر اعمال جنبه های دیگر پاسخ گویی به مجازات ها؛ از جمله مقوله پیشگیری متمرکز است. یکی از روش هایی که از تکرار جرم توسط اطفال پیشگیری می نماید، استفاده از اقدامات تأمینی و تربیتی است که متخصصین علوم جامعه شناسی و جرم شناسی، ضرورت کار بست آن را مطرح می نمایند؛ در شماره پیشین مفهوم تعزیر از منظر لغت شناسان و مبانی فقهی - حقوقی، تعریف طفل بزهکار در حوزه فقه و قانون و تعزیر یا تأدیب، بازدارندگی اطفال بزهکار از تکرار جرم در منظر فقهی مورد بررسی قرار گرفت، در این شماره به ادامه مباحث می پردازیم.

واژگان کلیدی: اطفال، صغار، تعزیر و تنبیه، جرم و جنحه، فقه، حقوق و قانون

۴- تعزیر یا تأدیب کودکان از منظر قانون

تعزیر نزد حقوق دانان به مجازات جرمی تعریف شده که قانون آن جرم را مستوجب حد یا قصاص ندانسته است. این تعزیرات ممکن است برای جنایت، جنحه^(۱) یا خلاف مقرر شده باشند (لنگرودی، ۱۳۷۴: ۱۶۳).^(۲) قانون گذار در ماده ۱۸ ق.م.ا. (۱۳۹۲) تعزیر را چنین معرفی نموده است: «مجازات است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می گردد. نوع، مقدار، کیفیت اجرا و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می شود».

با این حال، قانون مجازات اسلامی در ادوار گوناگون خود مسئولیت کیفری کودکان را از افراد بالغ مجزا دانسته و به ترتیب دوره های تعیین شده، آنها را از تمام یا بخشی از مسئولیت و اهلیت جزایی مبرا دانسته است (عبادی، همان: ۵۸ و ۵۹).

قانون مجازات عمومی مصوب سال ۱۳۰۴ سه دوره برای کودکان قائل شده بود: «از ابتدا تا سن ۱۲ سالگی فاقد هرگونه مسئولیت کیفری، از ۱۲ تا ۱۵ سالگی و از ۱۵ تا ۱۸ سالگی که به حسب مورد و اقتضای مصلحت، تعزیر و مجازات در نظر گرفته می شود».

در قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸، این تقسیم بندی کامل تر شد: از بدو تولد تا ۶ سالگی، فاقد هرگونه مسئولیت کیفری؛ از ۶ سالگی تا ۱۲ سالگی، مسئولیت نسبی کیفری با سپردن فرد به والدین و اخذ تعهد از ایشان؛ از ۱۲ تا ۱۵ سالگی (اغلب) نگهداری فرد در کانون اصلاح و تربیت و در موارد جرایم

سنگین از درجه جنایت، حکم تعزیر شلاق یا نگهداری به بیش از یک سال و ۱۵ تا ۱۸ سالگی، مجازات سنگین تر برای جرایم سنگین فرد. طبق قانون مزبور، در ۱۸ سالگی فرد، همچون بزرگسال دارای حقوق و تکالیف کامل شده و این حقوق و تکالیف در مقابل هم قرار می گرفت.

اما قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ در ماده ۴۹ خود به طور کلی مجازات کودکان را نفی نموده و مقرر می دارد: «اطفال در صورت ارتکاب جرم مبری از مسئولیت کیفری هستند و تربیت آنان با نظر دادگاه به عهده سرپرست اطفال و عندالاقضا کانون اصلاح و تربیت اطفال می باشد».

در تبصره دوم ماده فوق آمده بود: «هرگاه برای تربیت اطفال بزهکار تنبیه بدنی آنان ضرورت پیدا کند، تنبیه بایستی به میزان و مصلحت باشد».^(۳)

هرچند مقنن در این ماده اطفال و کودکان نابالغ را مبری از مسئولیت کیفری می دانست، اما در برخی از مواد دیگر قانونی برای آنها مجازات تعزیری وضع کرده بود که به نظر می رسید با ماده یاد شده معارض باشد. به گونه ای که در ماده ۱۱۲ همان قانون (مصوب ۱۳۷۵) آمده بود: «هرگاه مرد بالغ و عاقل با نابالغی لواط کند، فاعل کشته می شود و مفعول اگر مکره نباشد تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیر می شود».

ماده ۱۱۳ نیز مقرر می داشت: «هرگاه نابالغی، نابالغ دیگر را وطی کند تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیر می شود».

همان گونه که ملاحظه گردید، در این مواد بر مجازات و تعزیر نابالغ به صورت تحمل ضرب تازیانه تصریح شده بود (اردبیلی، ۱۳۸۵: ۲، ۱۵۳).

نظریه های مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه در این خصوص به شرح ذیل است: (معاونت حقوقی و توسعه قضایی، ۱۳۹۶: ۱، ۸۷۵ و ۸۵۸).

۱- نظریه مشورتی شماره ۷/۱۸۴۷ مورخ ۱۳۷۴/۸/۲۰: «با توجه به ماده ۱۱۳ قانون مجازات اسلامی که مخصوص ماده ۴۹ همان قانون است، تعقیب طفل به لحاظ ارتکاب لواط بلاشکال است، ولی در گرفتن تأمین و اخذ دفاع و غیره، باید مصالح طفل رعایت شود. اقرار صغیر اعتباری ندارد و باید به طریق دیگری احراز جرم شود».

۲- نظریه مشورتی شماره ۴۰۲۵ مورخ ۱۳۷۵/۶/۱۸: «نظر به اینکه طبق ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، اطفال در صورت ارتکاب جرم مبرا از مسئولیت کیفری هستند، تفهیم اتهام و اخذ تأمین از آنها خلاف قانون است. مع ذلک، موردی که نابالغی با نابالغ دیگر وطی کند، هر دو طفل به شرح مذکور در ماده ۱۱۳ قانون مجازات اسلامی که مخصوص ماده ۴۹ همان قانون است، تعزیر می شوند. منحصر در این مورد، تحقیق و اخذ دفاع و تأمین و غیره باید با رعایت مصلحت اطفال معمول شود».

۳- نظریه مشورتی شماره ۷/۴۷۷۲ مورخ ۱۳۷۷/۱۰/۲۳: «مطابق قانون و شرع در موردی که فاعل نابالغ و مفعول بالغ باشد، نابالغ تعزیر و بر بالغ حد لواط جاری می گردد».

با دقت در متن پیش گفته، تعارض ماده ۴۹ ق.م.ا. پیشین با مواد ۱۱۲ و ۱۱۳ واضح و مبرهن است؛ چرا که قانون گذار باید یکی از دو مبنا را بپذیرد و اجتماع آن دو ممکن نیست؛ بدین معنی که نمی توان از یک سو اطفال را فاقد مسئولیت کیفری دانست و از سوی دیگر برای آنان اقدام به وضع مجازات و مسئولیت کیفری نمود (اردبیلی، همان: ۱۵۴؛ شامبیاتی، ۱۳۸۴: ۳۳۹ و ۳۴۰).



اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان است، در مورد جرایم اطفال و نوجوانان تنها اقدامات تربیتی و اصلاحی لحاظ شده است و در مورد جرایمی که مجازات قانونی آنها درجات مختلف تعزیر است، به حسب مورد جزای نقدی در نظر گرفته شده است.^(۵) همچنین طبق ماده ۹۵ این قانون، محکومیت‌های کیفری اطفال و نوجوانان فاقد آثار کیفری است.

تصمیمات اتخاذ شده در این خصوص در ماده ۸۸ همان قانون هم مورد توجه است. اما پرسش قابل طرح این است که آیا مرتکب نابالغ در جرایم مستوجب تعزیر، نسبت به جرایم مستوجب حد، نیاز بیشتری به رشد و آگاهی دارد یا خیر؟ پاسخ مثبت به نظر می‌رسد؛ زیرا اولاً، جرایم حدی معروف‌تر و به مراتب شناخته‌تر هستند و احتمال صحت ادعای جهل به حکم در آن کمتر خواهد بود. دوماً، جرایم مستوجب حد قباح‌تر بیشتری دارد و علم به پلیدی آن سهل و آسان‌تر است. اگرچه در مقام ادله اثبات، جرایم حدی از شرایط سنگین‌تری برخوردار می‌باشند. از سویی، با عنایت به اینکه تعیین نوع و کیفیت تعزیر به تشخیص قاضی بستگی دارد، به اعتقاد حقوق دانان، قاضی می‌تواند در جرایم مستوجب تعزیر در صورت مواجهه با عدم رشد کیفری مجرم به حداقل مجازات اکتفا نماید (مرعشی، ۱۳۷۹: ۹، ۲۱، ۱۸-۲۰).

در نظریه مشورتی شماره ۷/۶۶۴۴ مورخ ۱۳۷۹/۷/۱۴ اداره حقوقی قوه قضاییه آمده است: «چنانچه متهم در حال حاضر کبیر و وقوع جرم در زمان صغر باشد، دادگاه در مقام اعمال ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ بایستی حکم به نگهداری شخص محکوم در کانون اصلاح و تربیت صادر نماید و این موضوع هیچ منع قانونی ندارد، کما اینکه در حال حاضر محکومینی

نمی‌پذیرد که از یک‌سو اطفال مسئولیت کیفری نداشته باشند و از سوی دیگر مجازات شوند (محقق داماد، ۱۳۸۴: ۴، ۲۱۳ و ۲۱۴).

بنابراین در خصوص تعزیر اطفال، قانون مجازات اسلامی پیشین دچار تعارض بود،^(۴) اما در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به این خلل و اشکال‌ها توجه و بر رفع آنها تلاش گردید، به گونه‌ای که در ماده ۱۴۰ قانون جدید آمده است: «مسئولیت کیفری در حدود، قصاص و تعزیرات تنها زمانی محقق است که فرد حین ارتکاب جرم، عاقل، بالغ و مختار باشد، به جز در مورد اکراه بر قتل...».

مفهوم ماده فوق آن است که هرگاه فرد در زمان ارتکاب جرم نابالغ، دیوانه و بدون اختیار باشد، مسئولیت کیفری نخواهد داشت. این مفهوم در خصوص افراد نابالغ با صراحت در ماده ۱۴۶ بیان گردیده است. این ماده مقرر می‌دارد: «افراد نابالغ دارای مسئولیت کیفری نیستند».

بدیهی است چنین اطلاق در نفی مسئولیت کیفری افراد نابالغ شامل تمامی باب‌های حدود، قصاص و تعزیرات خواهد شد (انصاری، همان: ۲۱۸).

برخلاف قانون مجازات اسلامی پیشین، در قانون مصوب ۱۳۹۲ تعارضی در این خصوص وجود ندارد و در هیچ‌یک از ابواب آن برای افراد نابالغ تعزیر معین نشده، بلکه برای اطفال بزهکار تنها اقدامات تأمینی و تربیتی - که شرح آن در گفتار بعدی خواهد آمد - پیش‌بینی شده است.

ماده ۱۴۸ قانون جدید مقرر می‌دارد: «در مورد افراد نابالغ، براساس مقررات این قانون، اقدامات تأمینی و تربیتی اعمال خواهد شد».

در فصل دهم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که در خصوص مجازات و

برخی از حقوق دانان گفته‌اند که تعارضی میان این مواد وجود ندارد؛ چون تعزیر در این مواد خصیصه مجازاتی و مسئولیت کیفری ندارد، بلکه دارای جنبه تأدیبی است، همان‌گونه که در ماده ۱۶ قانون مجازات اسلامی پیشین آمده بود: «تعزیر، تادیب یا عقوبتی است که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نشده و به نظر حاکم واگذار شده است؛ از قبیل حبس و جزای نقدی و شلاق مطروحه که میزان آن بایستی از میزان حد کمتر باشد»؛ بنابراین طرح تعزیر و شلاق در مواد ۱۱۲ و ۱۱۳ آن قانون جنبه عقوبتی و مجازات ندارد (رستمی، ۱۳۹۱: ۲۲۲).

ولی این سخن ناتمام است؛ زیرا بر فرض پذیرش این نکته که ۷۴ ضربه شلاق جنبه تأدیبی داشته باشد - هرچند فرض ناصوابی است - با این وصف نیز همچنان وجه تعارض سایر مواد قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ با ماده ۴۹ به قوت خود باقی می‌ماند. علاوه بر آن، به صراحت قانون پیشین در ماده ۱۲، تأدیب نوعی مجازات است: «مجازات‌های مقرر در این قانون پنج قسم است: حدود، قصاص، دیات، تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده» (فتحی، ۱۳۸۸: ۶، ۸۲، ۲۱، ۶-۸۴).

این ماده تعزیر را به صورت مطلق - چه تادیب باشد یا عقوبت - مجازات به شمار می‌آورد. از این رو، حتی ماده ۱۴۷ همان قانون که مقرر می‌داشت: «هرگاه نابالغ کسی را قذف کند، به نظر حاکم تادیب می‌شود». اگر منظور از تأدیب، تعزیر باشد، به تعارض‌های موجود با ماده ۴۹ افزوده می‌گردد.

ممکن است گفته شود، این تعارض از باب اطلاق و تقیید قابل توجه است؛ ولی به نظر چنین نباشد؛ چرا که ملاک در اطلاق و تقیید پذیرش عرف است و عرف

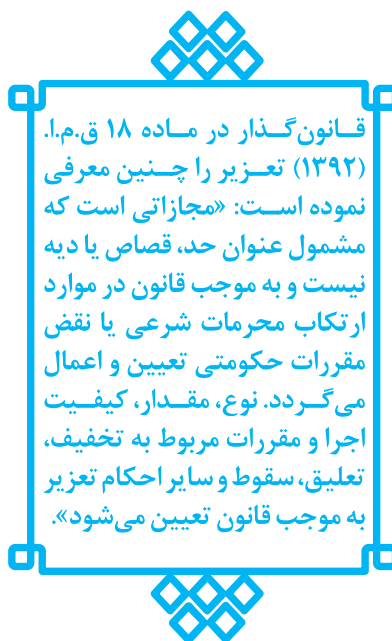
در قانون اصلاح و تربیت به سر می‌برند که در بدو نگهداری صغیر بوده‌اند و در حال حاضر، علی‌رغم رسیدن به سن کبر در آن مرکز به سر می‌برند» (معاونت حقوقی و توسعه قضایی، همان: ۸۳۱).

یکی از حقوق دانان در خصوص نقش رشد در مسئولیت کیفری در تعزیر آورده است: «باتوجه به اینکه بخش عمده موارد قوانین جزایی اسلام در باب تعزیرات است و جزای بیش از نود و پنج درصد جرم‌ها به علت آنکه تحت عنوان تعزیر قرار دارند، به دست قانون و قاضی است، لذا جواز ترتیب نظام ویژه دادرسی جهت تعزیر نوجوانان کمتر از ۱۸ سال که فاقد رشد کیفری هستند، محل اشکال خواهد بود» (کیان مهر، ۱۳۹۸: ۱، ۲۰۰: ۷۶).

به هر سو، با افزایش جرایم و نارسایی‌های مقابله با آن، اندیشه‌ای به وجود آمد که مجازات به تنهایی برای حفظ امنیت جامعه کفایت نمی‌کند و باید تدابیر دیگری جهت صیانت نظم اجتماع و پیشگیری از ارتکاب جرایم پیدا نمود. براساس اندیشه مزبور، ضمن تغییر نگرش از انسان مجرم و بزهکار به بیماری که باید تحت درمان قرار گیرد، متناسب با وضع مزاجی، استعداد، منش و سوابق فرد خاطی راه و روشی در پیش گرفته می‌شود تا او بهبود یافته و با اجتماع سازگار گردد. حقوق دانان بر این مجموعه تدابیر صحه گذاشته و از آن به‌عنوان «اقدامات تأمینی و تربیتی» یاد کرده‌اند (قاسمی، ۱۳۹۲: ۱۸).

ناگفته نماند که اندیشه یاد شده برگرفته از نگاهی بود که در تضارب آراء و نظریه‌های پیروان مکاتب حقوقی جدید به دست آمده و عقاید اندیشمندانی چون «انریکو فری»، «رافائل گاروفالو»^(۹) و «سزار لمبرزو»^(۱۰) دنبال می‌نمود و همواره عوامل وقوع جرم، حالت‌های خطرناک مجرم،

ضرورت اصلاح و تربیت مجرمین را با در نظر گرفتن مسئله حفظ آزادی‌های شخصی، حرمت انسانیت و مسئولیت‌های اخلاقی محور نگرش خود قرار داده بود (پرادل، ترجمه، ۱۳۸۵: ۱۱۵؛ بولک، ۱۳۸۵: ۴۸؛ آنسل، ۱۳۹۱: ۵۲؛ عامر، ۱۴۳۹: ۱۰۰).



قانون‌گذار نیز ابتدا در ماده ۱ قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹ به تعریف آن می‌پردازد: «اقدامات تأمینی عبارت‌اند از تدابیری که دادگاه برای جلوگیری از تکرار جرم (جنبه یا جنایت) درباره مجرمین خطرناک اتخاذ می‌کند»^(۱۱).

انواع اقدامات تأمینی در قانون مشخص شده و دادگاه باید با توجه به اوضاع، احوال و وضعیت مجرم؛ یکی از آنها را انتخاب و اتخاذ نماید. اقدامات تأمینی گاه آزادی مجرم را سلب می‌کند؛ مانند نگهداری مجرمین مختل‌المشاعر و دیوانه در تیمارستان یا نگهداری برخی مجرمین در تبعیدگاه و نگهداری اطفال و کودکان بزهکار در کانون اصلاح و تربیت.^(۱۲) گاه این اقدامات ناظر به محدود کردن آزادی

مجرم است؛ مانند ممنوعیت در اقامت در محل معین یا ممنوعیت اشتغال به جرم معین^(۱۳) و گاه ناظر به امور مالی است؛ مانند ضبط اشیای خطرناک یا مسدود نمودن محل.^(۱۴)

اما همه اینها چندان کفایت نمی‌کند و با عنایت به متغیرهای جامعه و عوامل جرم‌افزا، نیاز به توجه ویژه به موضوع پیشگیری از ارتکاب بزه اطفال را بیش از پیش نشان می‌دهد. لذا ضروری است علی‌رغم اهمیت اقدامات تأمینی و تربیتی، راهکارهای پیشگیری از ارتکاب جرم و جنبه برای اطفال و نحوه اعمال در نظر گرفته شود.

۵- نحوه پیشگیری از بزهکاری اطفال

دستگاه عدالت کیفری تا پایان قرن هجدهم تنها اقدامی که صورت می‌داد، مجازات گناهکار با هدف عبرت آموزی به دیگران و ایجاد رعب و هراس در اجتماع بود؛ چراکه تصور می‌شد، شکنجه و مجازات‌های شدید می‌تواند ترس و وحشت را در اجتماع به وجود آورد و در نتیجه مانع از ارتکاب جرم توسط دیگران گردد. این‌گونه سیاست پیشگیری از جرم توأم با انتقام در ملاء عام بود که همراه با تبلیغات زمان و مکان اجرای حکم، با خشونت بسیار در برابر دیدگان مردم انجام می‌گرفت. این نوع سیاست به دلایل مختلفی ناکارآمد ارزیابی شد و در خصوص کاهش جرایم تأثیر قابل توجهی برای آن شناخته نشده است. «انریکوفری»^(۱۵) نخستین کسی بود که از پیشگیری و جانشین‌های غیرکیفری سخن به میان آورد. او در کتاب خود تحت عنوان «فقه‌های نوین حقوق کیفری» در سال ۱۸۸۸ میلادی، خواستار تجدید نظر در حقوق کیفری و توجه به نحوه مبارزه با بزهکاری شد. او با ارائه یک



در صورت جمع بندی تمامی روش‌ها می‌توان به حصول نتیجه آن خوش بین بود.

۶- پیشگیری اجتماعی و نقش رسانه

پیشگیری اجتماعی به عنوان یکی از مصادیق پیشگیری غیرکیفری، شامل اقداماتی است که بر کلیه محیط‌های مؤثر در جامعه‌پذیری فرد و همچنین محیط‌هایی که دارای کارکرد اجتماعی هستند تأثیرگذار است. از این رو، در پیشگیری اجتماعی باید به دنبال هماهنگ‌سازی اعضای جامعه با قواعد اجتماعی بود. در این نوع پیشگیری، ریشه‌های بزهکاری هدف قرار می‌گیرد تا از این طریق مانع شکل‌گیری علل بزهکاری گردد. به این ترتیب، پس از شناسایی و تعیین علل اجتماعی ارتکاب جرم، اقدام به برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری به منظور از بین بردن این علل و اصلاح آن می‌نماید، تا بتوان ایجاد تمایلات و انگیزه‌های مجرمانه در افراد را برطرف نمود.

از جمله عوامل ریشه‌ای مؤثر در وقوع بزه، عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، آموزشی و غیره است که در شکل‌گیری شخصیت، رفتار، سازگاری یا ناسازگاری فرد با قواعد اجتماعی، مؤثر است. دانشمندان معتقدند هرگونه تغییری که در شرایط و مقتضیات محیط اجتماعی به صورت مستقیم بر فرد اثر می‌گذارد، جرایم مختلف را شکل می‌دهد یا آنها را از بین می‌برد. جرم‌شناسی، واکنش‌های ناهنجار را نتیجه شرایط ناهنجار می‌داند و معتقد است در صورت فراهم‌سازی محیط سالم و مساعد، رفتارها بهنجار می‌شود (عباسی، همان: ۶۸).

باید افزود که تأثیر رسانه بر بزهکاری اطفال و نوجوانان بر هیچ کس پوشیده نیست. ممکن است طفلی با دیدن یک

در نظریه مشورتی شماره ۷/۶۶۴۴ مورخ ۱۳۷۹/۷/۱۴ اداره حقوقی قوه قضاییه آمده است: «چنانچه متهم در حال حاضر کبیر و وقوع جرم در زمان صغر باشد، دادگاه در مقام اعمال ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ بایستی حکم به نگهداری شخص محکوم در کانون اصلاح و تربیت صادر نماید و این موضوع هیچ منع قانونی ندارد، کما اینکه در حال حاضر محکومینی در کانون اصلاح و تربیت به سر می‌برند که در بدو نگهداری صغیر بوده‌اند و در حال حاضر، علی‌رغم رسیدن به سن کبر در آن مرکز به سر می‌برند».

در این تقسیم‌بندی، پیشگیری ابتدایی و ثانویه درخصوص پیشگیری قبل از وقوع جرم و شناخت علل و عوامل آن مربوط است. به عبارت دیگر این دو نوع پیشگیری در جرم‌شناسی پیشگیرانه، کاربرد دارد و پیشگیری ثالث نیز پیشگیری کیفری و مربوط به مرحله بعد از وقوع جرم است. به این ترتیب، پیشگیری در دو بخش کیفری و غیرکیفری و در تقسیم‌بندی غیرکیفری به پیشگیری اجتماعی با هدف تأمین حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مردم در سطح جامعه و پیشگیری وضعی با رعایت حقوق و آزادی‌های مدنی و سیاسی مردم درخصوص اقدامات پیشگیرانه تقسیم شده است. آنچه مسلم است، تأثیرگذاری هر یک از روش‌ها برای حصول کاهش جرایمی؛ نظیر خشونت و سرقت و غیره و در نتیجه کاهش بزهکاری است که

برنامه وسیع، اقدامات پیشگیرانه را به سوی تدابیر غیرسرکوبگرانه و غیرقهرآمیز هدایت نمود.

براین اساس، می‌توان گفت، پیشگیری از وقوع جرم بر اساس نظریات جرم‌شناسی پایه‌ریزی شده، دارای تقسیم‌بندی متفاوتی است؛ در تقسیم‌بندی کلی به پیشگیری کیفری (واکنشی) و غیر کیفری (کنشی) تقسیم می‌شوند. چنانچه پیشگیری در معنای وسیع کلمه به کار برده شود، شامل طیف وسیعی از اقدامات کیفری و غیرکیفری است (عباسی، ۱۳۸۰: ۴۰ و ۴۱).

شناسایی عوامل جرم‌زا، از دو دیدگاه بزه‌دیدگی و بزهکاری و تلاش در رفع و مهار آنها در زمینه پیشگیری مؤثر است. حذف عوامل زمینه‌ساز بزهکاری؛ نظیر عوامل فردی زیستی- روانی، عوامل محیطی، اقتصادی، اجتماعی و سایر موارد، تسلط بر وضعیت پیش‌جنایی و مصون‌سازی کودک از مورد هدف قرار گرفتن، از طرق پیشگیری از وقوع بزه است. تقسیم‌بندی سه‌گانه پیشگیری، شامل پیشگیری ابتدایی که سیاست‌ها و طرح‌هایی برای پیشگیری از شرایط جرم‌زا را در برمی‌گیرد و بر زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی و سیاست عمومی تمرکز دارد؛ نظیر تأثیر فقر رسانه‌ها و بیکاری بر وقوع کودک‌آزاری؛ پیشگیری ثانویه که افراد و گروه‌های در معرض خطر را خطاب قرار می‌دهد و برای این دسته از افراد؛ مانند کودکان بی‌سرپرست یا بدسرپرست تدابیر حمایتی اتخاذ می‌کند؛ اما پیشگیری سوم که معطوف به پیشگیری از تکرار جرم در خلال اقدامات فردی برای سازگاری مجدد اجتماعی یا خنثی نمودن بزهکاران پیشین است (گسن، ۱۳۷۰: ۱۰۲).



صحنه در تلویزیون و تکرار آن مرتکب جرم غیرعمدی شود و یا جرم‌های دیگری که ریشه ذهنی آن به یک برنامه تلویزیونی و یا ماهواره‌ای و یا یک تصویر در مجلات و جراید برمی‌گردد؛ لذا در این میان نقش آموزشی رسانه‌ها، به خصوص رسانه‌های جمعی بسیار حائز اهمیت است.

بنابراین همچنان که رسانه‌های گروهی در بزهکاری تأثیر دارد، در پیشگیری از بزهکاری نیز می‌تواند بسیار مفید باشد. این مسئله را آن دسته از حقوقدانانی پیش کشیده‌اند که نظام کیفری را برای کاهش اثرات جرم در جامعه کافی نمی‌دانستند. یکی از نخستین پیشگامان این بیان، «جرمی بنتام»^(۱۶) حقوقدان و فیلسوف انگلیسی بود. وی که در جستجوی راه‌حلی برای محو یا کاستن تعداد ارتکاب جرایم بود، به ابزارهای مکمل برای نظام کیفری اندیشید و بر نقش آموزش و پرورش و به ویژه شناخت قوانین، مذهب و دولت در مراقبت از کودکانی که پدران و مادران آنان نالایق هستند و

نیز بر فعالیت‌های فرهنگی تأکید نمود. در عصر حاضر، مهم‌ترین ابزار فعالیت‌های فرهنگی، رسانه‌های گروهی است که نقش آن در پیشگیری از جرم، مورد تصریح جرم‌شناسان و حقوقدانان قرار گرفته است (عباسی، همان: ۹۹-۱۰۰). در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز دولت موظف شده برای رسیدن به اهداف والای انسانی و اسلامی از رسانه‌های گروهی ضمن تقویت سطح آگاهی‌های عمومی به صورت مطلوبی استفاده کند. در بند ۲ اصل سوم قانون اساسی نیز بر بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات، رسانه‌های گروهی و ابزارهای دیگر تأکید شده است. ماده ۴۴ «قانون خط مشی، اصول و برنامه‌های سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۷ شهریور ۱۳۶۱» هم یکی از رسالت‌های صدا و سیما را «آموزش عمومی جهت آشنایی مردم با حقوق» اعلام کرده است.

بنابراین قوه قضاییه که مطابق بند پنج اصل ۱۵۶ قانون اساسی به «اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین» موظف شده است، همسو با سیاست‌های ایجابی سازمان صدا و سیما و نیز مطبوعات و سایر رسانه‌ها، باید از این ظرفیت‌های قانونی استفاده بهینه کند؛ به ویژه با عنایت به اصل ۱۷۵ قانون اساسی که مقرر می‌دارد: «شورایی مرکب از نمایندگان رئیس‌جمهور و رئیس قوه قضاییه و مجلس شورای اسلامی (هرکدام دو نفر) نظارت بر این سازمان خواهد داشت» (محسنی، ۱۳۸۹: ۲۳۵).

اگر رسانه‌ها رسالت خود که اطلاع‌رسانی صحیح، شناساندن قانون و دیگر موارد است، به درستی انجام دهند و تنها به فکر جلب مخاطب برای رونق بخشیدن به تجارت خود نباشند، می‌توانند از بسیاری از جرایم پیشگیری کنند؛ چراکه نقش مهمی در جامعه‌پذیری کودکان و الگودهی به آنها دارند.

برآمد

یکی از بدیهیات نظام حقوقی اسلام این است که کودکی و جنون از عوامل رافع مسئولیت کیفری است. فقها بلوغ و عقل را از جمله شرایط عامه تکلیف می‌دانند و در نتیجه کودکی را که مرتکب جنایت شده است، مستحق اجرای قصاص نمی‌دانند. این موضوع به وضوح در نوشتارهای فقهیان و حقوقدانان به چشم می‌خورد.

در پیشینه مقررات جزایی ایران نیز عدم مسئولیت کیفری افراد نابالغ مورد پذیرش قرار گرفته، ولی در عین حال در مواردی برای آنان تعزیر وضع شده که منافی فقدان مسئولیت کیفری این افراد است. با وجود اینکه درباره افرادی که تازه به سن بلوغ رسیده‌اند، هیچ فرقی از جهت مجازات با افراد بزرگسال وجود نداشت و رشد کیفری نیز در تعیین کیفر، مورد توجه قرار نگرفته بود، در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به این اشکالات توجه شد و قانون‌گذار به منظور رفع این اشکالات گام‌هایی را برداشت.

مطابق مواد ۱۴۶ و ۸۸ ق.م.ا. (۱۳۹۲) افراد نابالغ مسئولیت کیفری ندارند. از لحاظ فنی مفهوم ماده ۸۸ آن است که کودکی که کمتر از نه سال سن دارد، نمی‌تواند موضوع هیچ‌گونه تصمیمی در نظام عدالت کیفری، حتی تصمیمات اصلاحی و مراقبتی، قرار گیرد. به بیان دیگر، این اطفال قابل محاکمه کیفری نیستند. از این حیث، موضع قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ متفاوت از قانون مجازات اسلامی سابق است؛ زیرا طبق ماده ۴۹ آن قانون، اطفال میرا از مسئولیت کیفری بودند، اما تربیت آنها «با نظر دادگاه» بر عهده سرپرست اطفال و عندالاقضا کانون اصلاح و تربیت اطفال بود. به این ترتیب در قانون سابق هیچ‌گونه حداقل سنی برای حضور در دادگاه کیفری در نظر گرفته نشده بود. علاوه بر این، امکان تنبیه بدنی اطفال بزهکار نیز، بدون در نظر گرفتن میزان سن آنها، پیش‌بینی شده بود.



در باب جرایم غیر تعزیری صغار نیز قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ در تبصره یک ماده ۲۹۵ قاعده فقهی «عمد الصبیان خطأ» را انعکاس داده بود؛ بدین ترتیب که جنایت‌های عمدی و شبه‌عمدی دیوانه و نابالغ به منزله خطای محض است. پیش از آن ماده ۲۲۱ هم مقرر می‌داشت: «هرگاه دیوانه یا نابالغی عمداً کسی را بکشد خطا محسوب و قصاص نمی‌شود، بلکه باید عاقله آنها دیه قتل خطا را به ورثه مقتول بدهند».

ظاهر قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ آن است که با حذف واژه «به منزله»، در حقیقت جنایت صغیر را خطای محض می‌داند: مطابق بند «ب» ماده ۲۹۲، جنایت در مواردی که به وسیله صغیر و مجنون ارتکاب یابد خطای محض محسوب می‌شود. در مورد اجرای حدود نیز به صراحت ماده ۲۱۷ این قانون، مرتکب در صورتی مسئول است که علاوه بر داشتن علم، قصد و شرایط مسئولیت کیفری، به حرمت شرعی رفتار ارتكابی نیز آگاه باشد.

این موضوع نشان می‌دهد که مقنن کیفری، با غور در مباحث فقهی، رویکرد دوگانه و قابل پذیرش‌تری را نسبت به قانون سابق در پیش گرفته است که نیاز به اصلاح دارد.

اما آنچه در حوزه فقه و قانون به عنوان تأدیب اطفال بزهکار برای جلوگیری از تکرار جرم در نظر گرفته شده، به نظر کافی نیست، بلکه متناسب با تغییر روند جوامع باید از عوامل مؤثر دیگری؛ نظیر رسانه‌های ارتباط جمعی نیز بهره‌برداری نمود.

به نظر می‌رسد رسانه‌های ارتباط جمعی با قابلیت‌ها و توانایی‌های خاص خود می‌توانند در رفع مشکلات جامعه بشری مؤثر واقع شده و با نقش‌های مهمی که در جامعه ایفا می‌کنند؛ از قبیل فرهنگ‌سازی، مشارکت اجتماعی، آموزش و غیره به بشریت خدمتی عظیم ارائه کنند. تحولات تاریخی در دو قرن اخیر نشانگر آن است که تفکر بشر تا چه میزان وابسته به ابزارهای رسانه‌ای و ارتباطی بوده است.

تأثیرات رسانه‌های جمعی بر روی انحرافات اجتماعی، مربوط به تغییراتی است که انسان‌های سازنده، اداره کننده و پخش کننده برنامه‌ها، آگاهانه یا نا آگاهانه به جامعه عرضه می‌دارند. این نکته همواره مهم است که رسانه‌های جمعی، در مبارزات داخلی ملت‌ها و پیکارهای خارجی بین‌المللی برای تهیج و بسیج عقاید عمومی و نیز گاهی برای سرکوبی آن، یکی از قاطع‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین حربه‌ها هستند. امروزه کودکان و نوجوانان همه چیز را از دنیای اطراف خود دریافت نموده و می‌آموزند و چه بسا تکرار می‌کنند. رسانه‌های جمعی در این بازخورد نقش آفرینی بسیاری دارند. هرچند شاید در کوتاه مدت چندان به نظر نیاید، ولی در بلندمدت تأثیرات خود را نشان خواهند داد. گسترش روز افزون ماهواره‌ها و رسانه‌های مجازی بدون کنترل، گسترش بی بند و باری و به وجود آمدن فساد فراگیر در جامعه و به انحطاط کشیده شدن برخی از جوانان، افزایش مصرف مشروبات الکلی و ایجاد گروه‌های مروج فرهنگ غربی، منجر به افزایش نرخ بزهکاری در میان اطفال و نوجوانان خواهد شد.

پی‌نوشت‌ها

۱- جنحه در اصطلاح، نوعی جرم است که مجازات آن پایین‌تر از جنایت و بالاتر از خلاف باشد. جنحه مقیاس دقیقی ندارد و از روی کمیت و کیفیت جرم شناخته می‌شود (لنگرودی، ۱۳۷۲: ۲۰۰).

۲- در کنار تعزیر شرعی، تعزیر حکومتی نیز وجود دارد و منظور از آن مجازات‌هایی است که از طرف حکومت جامعه به منظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی تعیین می‌گردد (مهرپرور، ۱۳۷۴: ۱۲۳).

۳- البته این اشکال بر تبصره وارد است که سعه و ضیق مقدار این تنبیه مشخص نیست. در ضمن، متولی و مسئول تربیت تعیین نشده و مرجع تشخیص مصلحت برای تنبیه اطفال و کودکان بزه‌کار نامعلوم است (انصاری، ۱۳۸۵: ۲۱۶).

۴- از جمله موضوعات بحث برانگیز قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، پایین بودن حداقل سنّ مسئولیت کیفری اطفال بود، به‌خصوص دختران که از توانایی‌های ذهنی لازم برای شناخت مسئولیت در سنّ ۹ سالگی بی‌بهره‌اند. قانون‌گذار در سال ۱۳۹۲ به تغییرات مهمی در این مورد دست زد و میان حداقل و حداکثر سنّ تفکیک قائل شده و مسئولیت کیفری را نفی نمود.

۵- ر.ک: مواد ۸۸ الی ۹۵ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲

۶- کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد به‌عنوان مهم‌ترین سند هنجار ساز در زمینه حقوق کودکان، مجموعه‌ای از حقوق را در زمینه‌های گوناگون برای کودکان به

رسمیت شناخته و به موازات آن، تکالیفی را نسبت به گروه سنی زیر ۱۸ سال - طبق تعریف ماده یکم کنوانسیون - بر کشورهای عضو تحمیل کرده است که برخی از آنها ارتباط مستقیم با نظام عدالت کیفری دارند. در مورد اینکه مناسب‌ترین سنّ به‌عنوان حداقل سنّ مسئولیت کیفری چیست، بحث‌ها و اختلاف نظرهای فراوانی در فرآیند تدریس کنوانسیون وجود داشت که سرانجام در تعیین آن امکان‌پذیر نگردید. اما کمیته حقوق کودک سازمان ملل متحد که نهاد ناظر بر اجرای این کنوانسیون در کشورهای عضو است، در اعلامیه توضیحی عمدی شماره ۱۰ سال ۲۰۰۷ میلادی مجازات افراد زیر ۱۸ سال را ممنوع اعلام نمود (نیازپور، ۱۳۹۴: ۱۸۷؛ پیوندی، ۱۳۹۰: ۶۱؛ عباچی، ۱۳۸۸: ۱۱۹؛ مصفا، ۱۳۹۰: ۵۷).

۷- پژوهش‌های حقوقی - پزشکی نشان می‌دهد که لوب پیشانی مغز که نقش زیادی در تصمیم‌گیری‌های افرادی که به سنّ رشد نرسیده‌اند، در مقایسه با افراد بزرگسال بیشتر مبتنی بر هیجان است تا عقلانیت. مغز در رابطه با برخی از عناصری که برای انتساب مسئولیت کیفری لازم هستند، تا اوایل سنّ بیست سالگی به رشد کامل نمی‌رسد. این دسته از پژوهش‌های بین‌المللی منظر لایحه‌های مرتبط با حقوق کودک سازمان ملل متحد قرار گرفته است (جعفری دولابی، ۱۳۹۲: ۹، ۲، ۱۱۱ - ۱۱۲؛ محمدی ۱۳۸۳، ۷، ۲۴، ۲۰۴؛ پور قهرمانی، ۱۳۸۳: ۴، ۲۸، ۸۳؛ توحیدی، ۱۳۸۲: ۸، ۳، ۱۲۳).

Enrico Ferri - ۸، جرم‌شناس و سیاست‌مدار سوسیالیست ایتالیایی، متوفی ۱۹۲۹

- ۱۲- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، **ترمیمولوژی حقوق**، نشر گنج دانش، تهران، چاپ ۶، ۱۳۷۲
- ۱۳- جوهری، علی بن جعد (ابن جعد)، **المسند، دار النوادر**، بیروت، چاپ ۲، ۱۴۱۰ ق
- ۱۴- حورانی دمشقانی، یحیی بن شرف (ابن شرف نووی)، **المجموع فی الفقه**، مکتبه الارشاد، جده، چاپ ۱، ۱۴۰۱ ق
- ۱۵- رستمی قفس آبادی، علیرضا، **حدود و تعزیرات در نظام جزایی اسلام**، نشر آیین احمد (ص)، قم، چاپ ۱، ۱۳۹۱
- ۱۶- زارع، محمد کاظم، **تحلیل انتشار حکم محکومیت در حقوق کیفری ایران**، انتشارات معرفت، تهران، چاپ ۱، ۱۳۷۸
- ۱۷- زرکشی، محمد بن بهادر، **شرح الزرکشی علی مختصر الخرقی**، دار العکبان للنشر و التوزیع، ریاض، چاپ ۱، ۱۴۱۳ ق
- ۱۸- زیدانی شیرازی، حسین بن محمود، **المفاتیح فی شرح المصابیح**، وزارت الاوقاف و الشئون الاسلامیه، کویت، چاپ ۳، ۱۴۳۳ ق
- ۱۹- شامبیاتی، هوشنگ، **بزهکاری اطفال و نوجوانان**، انتشارات مجد، تهران، چاپ ۱، ۱۳۸۹
- ۲۰- شامبیاتی، هوشنگ، **حقوق جزای عمومی**، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، چاپ ۱، ۱۳۸۴
- ۲۱- صاعی، پرویز، **حقوق جزای عمومی**، انتشارات طرح نو، تهران، چاپ ۳، ۱۳۸۶
- ۲۲- صهب نایلسی، عبدالجبار، **الجامع الصحیح لسنن و المسانید**، مکتبه النور الرقمیه، بیروت، چاپ ۲، ۱۴۳۲ ق
- ۲۳- عامر، محمد زکی، **قانون العقوبات و مسئولیه الجزائیه**، دار الجامعیه، بیروت، چاپ ۱، ۱۴۳۹ ق
- ۲۴- عباچی، مریم، **حقوق کیفری صغار در اسناد سازمان ملل متحد**، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، چاپ ۱، ۱۳۸۸
- ۲۵- فتحی، حجت الله، **مسئولیت کیفری اطفال با رویکردی به لایحه قانون مجازات اسلامی** [مقاله]، فصلنامه حقوق اسلامی، سال ششم، ۱۳۸۸ ش، شماره ۲۱
- ۲۶- قاسمی، ناصر، **اقدامات تأمینی و تربیتی**، نشر میزان، تهران، چاپ ۲، ۱۳۹۲
- ۲۷- قرشی حنفی، عبدالقادر بن محمد (ابن ابی الوفا)، **الجواهر المصنیه فی طبقات الحنفیه**، دار العلوم، ریاض، چاپ ۱، ۱۳۹۸
- ۲۸- کاسانی حنفی، ابوبکر بن مسعود (امام علاءالدین)، **بدایع الصنائع فی ترتیب الشرائع**، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت، چاپ ۱، ۱۴۱۷ ق
- ۲۹- کیان مهر، اصغر و مرادی، محمدرضا، **محشای قانون مجازات اسلامی**، انتشارات قانون یار، تهران، چاپ ۱، ۱۳۹۸
- ۳۰- محقق داماد، سیدمصطفی، **قواعد فقه- بخش جزایی**، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، چاپ ۱۲، ۱۳۸۴
- ۳۱- محمدی، قاسم، **رشد عقلانی و حقوق جنایی** [مقاله]، فصلنامه پژوهشی دانشکده امام صادق (ع)، سال هفتم، ۱۳۸۳، شماره ۲۴
- ۳۲- مرعشی شوشتری، محمدحسن، **نظرات فقهی- حقوقی در خصوص بلوغ، رشد و مسئولیت کیفری** [مقاله]، مجله دادرسی، سال نهم، ۱۳۷۹، شماره ۲۱
- ۳۳- مصفا، نسرین، **کنوانسیون حقوق کودک و بهره وری از آن در حقوق داخلی ایران**، انتشارات گرایش تازه، تهران، چاپ ۳، ۱۳۹۰
- ۳۴- معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه (گردآورنده)، **مجموعه تنقیح شده قوانین و مقررات کیفری**، شرکت سهامی روزنامه رسمی کشور، تهران، چاپ ۴، ۱۳۹۶
- ۳۵- مغربی شاذلی ازهری، محمد بن احمد (علیش)، **منح الجلیل شرح علی مختصر العلامه خلیل**، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت، چاپ ۱، ۱۴۳۶ ق
- ۳۶- مهرپرور، حسین، **دیدگاه های جدید در مسائل حقوقی**، انتشارات اطلاعات، تهران، چاپ ۱، ۱۳۷۴
- ۳۷- نیازپور، امیرحسین، **دادگاه های کیفری رسیدگی کننده به جرم های اطفال و نوجوانان**، مرکز چاپ و انتشارات دانشکده شهید بهشتی، تهران، چاپ ۱، ۱۳۹۴

- ۹- Raphael Garofalo، **قاضی و جرم شناس اهل ایتالیا**، متوفی ۱۹۱۴ میلادی و نویسنده کتاب «جرم شناسی».
 - ۱۰- Caesar Lombroso، **روان پزشک ایتالیایی و استاد پزشکی قانونی دانشگاه تورنتو**، متوفی ۱۹۰۹ میلادی و نویسنده کتاب «انسان جنایتکار».
 - ۱۱- حقوق دانان معاصر به این تعبیر افزوده اند: «اقدامات تأمینی و تربیتی، تدابیر قانونی هستند که دارای قوه الزام و اجبار بوده و در مورد افراد خطرناک به موقع اجرا گذاشته می شوند تا از ارتکاب احتمالی جرایم برای حفظ نظم عمومی جامعه جلوگیری شود. از این رو، این گونه اقدامات برخورد از دو جنبه اصلی و مهم است: یکی جنبه تأمینی جهت حفظ آرامش و امنیت جامعه از خطر ناسازگاری های مجرمانه که بعضی اقدامات ناظر به آن است و دیگری جنبه تربیتی که برای اصلاح مجرم و ممانعت از تکرار جرم به کار می رود. ر.ک: لنگرودی، ترمینولوژی: ۷۰؛ ملکزاده، ۱۳۸۹: ۱۰۱ و ۱۰۲؛ امینی، محمد، ۱۳۸۹: ۷۴؛ کی نیا، ۱۳۹۰: ۱۴۴.
 - ۱۲- ماده ۳ قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹
 - ۱۳- ماده ۸ همان قانون
 - ۱۴- ماده ۱۲ همان قانون
 - ۱۵- «لریکو فری» جرم شناس و سیاستمدار سوسیالیست اهل ایتالیا بود. فری شاگرد سزار لومبروزو و از پایه گذاران مکتب جرم شناسی پوزیتیویستی بود. وی بر تأثیر عوامل اجتماعی و محیطی بر وقوع جرم تأکید داشت و کتاب جامعه شناسی جنایی را در سال ۱۸۸۴ میلادی نگاشت.
 - ۱۶- «جرمی بنتام» فیلسوف، حقوقدان و اصلاح گر اجتماعی اهل لندن بود. او به عنوان بنیان گذار سودمندگرایی مدرن شناخته می شود. راه حلی که بنتام ارائه کرد منجر به شکل گیری جنبشی سیاسی شد که به بنتامیست ها، سودمندگرایان یا رادیکال های فلسفی موسوم است و در پی انجام اصلاحات اجتماعی و قانونی مطابق با آرای بنتام برآمده است. بنتام و طرفدارانش تغییرات روشنفکرانه ای را در باب قوانین رفتار با حیوانات، دارایی ها، مالیات، همجنس گرایی، فقر، حق رأی و بسیاری قوانین دیگر پیشنهاد کردند. بسیاری از این پیشنهادها در لایحه اصلاحات سال ۱۸۳۲ میلادی به قانون تبدیل شد.
- فهرست منابع**
- ۱- آسل، مارک، **دفاع اجتماعی**، برگردان: محمد آشوری، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ ۴، ۱۳۹۱
 - ۲- اردبیلی، محمدعلی، **حقوق جزای عمومی**، نشر میزان، تهران، چاپ ۳، ۱۳۸۵
 - ۳- انصاری، **تعزیرات از دیدگاه فقه و حقوق جزا**، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، چاپ ۱، ۱۳۸۵
 - ۴- بغدادی سلامی، عبدالرحمن بن علی (ابن رجب)، **القواعد فی فقه الاسلامی**، دار الکتب العلمیه، بیروت، چاپ ۱، ۱۳۹۲
 - ۵- بولک، برنارد، **کیفرشناسی**، برگردان: علی حسین نجفی، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، چاپ ۵، ۱۳۸۵
 - ۶- پردال، ژان، **اندیشه های کیفری**، برگردان: علی حسین نجفی، انتشارات سمت، تهران، چاپ ۱، ۱۳۸۸
 - ۷- پور قهرمانی، بابک، **نگاهی به کنوانسیون حقوق کودک و مباحثی پیرامون آن** [مقاله]، مجله رواق اندیشه، سال چهارم، ۱۳۸۳، شماره ۲۸
 - ۸- پیوندی، غلامرضا، **حقوق کودک**، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، چاپ ۱، ۱۳۹۰
 - ۹- توحیدی، احمدرضا، **تحلیل کنوانسیون حقوق کودک در پرتو جهان شمولی حقوق بشر** [مقاله]، مجله حقوقی ندای صادق، سال هشتم، ۱۳۸۲، شماره ۳
 - ۱۰- جزیری، عبدالرحمن بن محمد، **الفقه علی المذاهب الاربعه و مذهب اهل البیت (ع)**، دار الکتب العلمیه، بیروت، چاپ ۲، ۱۴۱۰ ق
 - ۱۱- جعفری دولابی، منا، **مقایسه حقوق کیفری اطفال ایران و فرانسه با کنوانسیون حقوق کودک** [مقاله]، مجله تخصصی الهیات و حقوق، سال دوم، ۱۳۹۲، شماره ۹